
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

نثر فارسی

«زبان و ادبیات فارسی»

مولف: یعقوب نوروزی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مؤلف

ای نام تو بهترین سرآغاز　　بی‌نام تو نامه کی کنم باز

کتاب در «شرح جامع نثر فارسی» همانطور که از نامش پیداست شرحی است بر متون نثر فارسی که در دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی تدریس می‌شوند و جزو واحدهای درسی به شمار می‌روند. البته شرح جامع نثر فارسی نیاز به زمان و معلومات و تحقیق و مداقّه بیشتر دارد و کار مشکل و طاقت فرسایی است. با این حال این کتاب در نوع خود می‌تواند راهگشای دانشجویان عزیز باشد. این کتاب با توجه به نیازمندیهای دانشجویان تألیف شده است و با عنایت به اینکه کتابی که به شرح و توضیح کل متون نثر فارسی در یکجا بپردازد تا بحال تألیف نشده بود، مولّف، تألیف چنین کتابی را برای دانشجویان لازم و ضروری می‌دانست تا مشکلی از مشکلات ایشان را مرتفع کرده باشد. چون این کتاب کتابی کمک درسی بود به همین سبب تاکیدمان بیشتر به آوردن نکات مهم و کلیدی و پیچیده متون نثر بود که تا بحال به صورت منسجم فراهم نشده بود و این کتاب در واقع با جامعیتش در نوع خود می‌تواند اولین باشد در تألیف کتاب تا حد امکان تلاش کرده‌ایم تا نکته ای فرو گذار نگشته و فراموش نشود و به بیشتر مباحثی که در آزمونهای کنکور سالهای قبل آمده در متن پرداخته شده است و کتابی تألیف شده که در برگیرنده مهم‌ترین نکات و مباحث کلیدی است و دانشجویان را از مراجعه پی در پی به کتب نثر برای یافتن نکات مبهم و پیچیده بی‌نیاز می‌گرداند. در تألیف این کتاب علاوه بر شروح مختلف کتب نثر به کتابهای دیگر نیز مراجعه شده است و سعی‌مان براین بوده است تا نکاتی را که شارحان به طور گذرا به آن پرداخته‌اند و یا توضیحی درباره آن نداده‌اند طول و تفصیل دهیم تا درک آن آسانتر گردد و به همین خاطر نمونه‌هایی برای لغات وتعبیرات از متون نظم و نثر به عنوان شاهد مثال آورده شده است. تا حد امکان ابیات و عباراتی را که با هم تشابه معنایی و تناسب دارند و در سئوالات کنکور بیشتر به آنها پرداخته می‌شود در متن کنار هم آوردیم که این خود امتیازی برای کتاب محسوب می‌شود. همچنین شرحی کوتاه در مقدمه کتاب درباره نثر فارسی و انواع آن آمده و در شروع هر فصل نیز به معرفی کتاب و ویژگیهای سبکی آن پرداخته شده است که می‌تواند از لحاظ سبک‌شناسی و تشخیص ویژگی‌های سبکی مفید باشد. به امید آنکه این کتاب مشکلی از مشکلات دانشجویان عزیز را مرتفع کرده و یاریگر آنها باشد.

و من الله التوفیق

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: نثر فارسی ۷
فصل دوم: قابوسنامه ۱۹
تست‌های آخر فصل ۳۲
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۷
فصل سوم: چهار مقاله ۴۳
تست‌های آخر فصل ۶۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۷۲
فصل چهارم: تاریخ بیهقی ۸۱
تست‌های آخر فصل ۱۳۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۴۹
فصل پنجم: کلیله و دمنه ۱۶۵
تست‌های آخر فصل ۲۱۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۲۵
فصل ششم: جهانگشای جوینی ۲۳۷
تست‌های آخر فصل ۲۵۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۶۲
فصل هفتم: نفثةالمصدور ۲۶۵
تست‌های آخر فصل ۲۹۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۹۵
فصل هشتم: مرزبان نامه ۲۹۹
تست‌های آخر فصل ۳۲۲
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۲۸
فصل نهم: مرصاد العباد ۳۳۵
تست‌های آخر فصل ۳۶۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۷۱
فصل دهم: گلستان سعدی ۳۸۳
تست‌های آخر فصل ۴۰۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۴۱۷

فصل اول

نثر فارسی

فصل اول

نثر فارسی(انواع نثر)

مقدمه

نثر مرسل

- مرسل اسم مفعول از ارسال به معنی رها شده و آزاد است و به معنی نثری است که آزاد از تکلفات و صنایع ادبی وآرایش‌های لفظی و معنوی باشد و آرایه‌های شعری در آن به کار گرفته شود و نویسنده به زبان ساده و بدون هیچ تکلف و آرایش و ابهام در معنی، مقصود خود را بیان کند و به معنی نثر و سخن مستقیم و سرراست و آزاد است. این نثر برخلاف نثر فنی عاری از هنرورزی‌های ادبی است و نویسندگان در این نوع نثر با واژگان مرسوم عادی و بدون توجه به صنایعی چون سجع، موازنه، ترصیح، ابهام و غیره که سبب آراستگی کلام است می‌نوشتند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع نثر تکرار واژه و عبارت، کوتاهی جمله و عدم توجه به آوردن صنایعی چون سجع و موازنه بود. این نوع نثر خالی از لغات مهجور عربی است و کلمات اصیل فارسی که بعدها در نظر ونثر به دست فراموشی سپرده می‌شود در این نوع نثر به وفور دیده می‌شود.

- از مختصات این نوع نثر به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.
- جمع بستن کلمات جمع عربی
- آوردن مترادفات در این نوع نثر مرسوم نیست
- آوردن ضمیر جاندار برای غیرذی روح
- استفاده از صیغه مضارع بودن
- مضارع اخباری به جای التزامی
- باء تاکید بر سر افعال
- اختصار و کوتاهی جملات
- تکرار اسم و فعل و قستی از جمله و خود جمله
- جمع بستن کلمات با الف و نون

ایجاز، در نثر این دوره نویسنده سعی می‌کند که با حداقل کلمات معنی را برساند و به آرایش کلام و زواید در سخن ارج و اهمیتی نمی‌دهد.

به نثر مرسل نثر سبک خراسانی (به اعتبار اینکه نخستین نویسندگان در خراسان بودند) و نثر دوره اول نیز می‌توان گفت.این نثر به لحاظ تاریخی دو دوره سامانیان و غزنویان را در برمی‌گیرد.آغاز دوره اول، نیمه اول قرن چهارم هجری است که شاهنامه ابومنصوری(۳۴۶) نوشته شده است و پایان آن اواخر قرن پنجم است.

۱- مقدمه شاهنامه ابومنصوری

نخستین اثری که به نثر ساده مرسل نوشته شده است شاهنامه ابومنصوری است که به فرمان ابومنصور عبدالرزاق و به دست ابومنصور المعمری در سال ۳۴۶ نوشته شده است.

- در این کتاب نشانه‌های زبان کهن فارسی به وفور به چشم می‌خورد و لغات عربی در آن دیده نمی‌شود جملات کوتاه است و تکرار عبارات و جملات در آن هست و خالی از صنایعی چون موازنه و مترادف و سجع و دیگر صنایع است.

۲- ترجمه تاریخ طبری

اثردیگری که به این سبک نوشته شده ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی محمدبن ابوالفضل محمدبلعمی است که این کتاب را در سال ۳۵۲ ه.ترجمه کرده است و به تاریخ بلعمی شهرت دارد.

۳- ترجمه تفسیر طبری:

این کتاب ترجمه جامع البیان فی‌تفسیر القرآن از محمدبن جریر طبری صاحب همان تاریخ الرسل و الملوک است که بلعمی آن را به فارسی برگرداند. این کتاب توسط گروهی از فقهاء خراسان و ماوراء النهر به فارسی برگردانده شد وتاریخ ترجه آن در حدود سال ۳۵۲ ه آغاز شده است.

- از ویژگی‌های آن می‌توان به فرزونی کلمات عربی، به خصوص کلماتی که در حوزه دینی می‌باشد، تکرار فعل، جمع بستن جمع‌های عربی و تلفظ‌های قدیمی کلمات و همچنین آوردن یاء جواب شرط و یاء بیان خواب اشاره کرد.

۴- هدایه‌المتعلمین فی‌الطب

کتابی است در طب نوشته شده است و مولف آن ابوبکر اخوینی میباشد که آن را برای پسرش نوشته است.

از دیگر کتب می‌توان به حدود العالم من‌المشرق‌الی المغرب در جغرافیا اشاره کرد که به سال ۳۷۲ نوشته شده و همچنین کتاب‌الابنیه عن حقایق الادویه از ابومنصور موفق هروی که در اوایل قرن پنجم تألیف شده و کتابی است در داروشناسی.

- دوره دوم سبک مرسل (دوره غزنوی)

در این دوره که با روی کار آمدن غزنویان شروع می‌شود به دلایل چندی از جمله وابستگی غزنویان به دستگاه خلافت، گسترش دین اسلام و به تبع آن گسترش زبان و بی‌نفوذ لغات عربی در نثر فارس بیشتر می‌شود و در سایر موارد ویژگی‌های نثر دوره سامانی غالب است.

از کتاب‌هایی که در این دوره نوشته شده موارد زیر را می‌توان نام برد.

نورالعلوم از ابوالحسن خرقانی، آثار ابن‌سینا که عبارتند از رساله نبض و دانشنامه علایی که ابن‌سینا سعی داشته در این کتاب‌ها از اصطلاحات علمی فارسی به جای اصطلاحات عربی استفاده کند.

التفهیم لاوایل صناعه التنجیم که تنها کتاب فارسی ابوریحان بیرونی می‌باشد و به نثری کهن نوشته شده و درصد لغات عربی در آن بسیار اندک است و ابوریحان اصطلاحات نجوم فارسی را در این کتاب به کار برده است. مثلاً به جای بدر: پرماهی/ ستاره شهر: منجم/بدبزرگ: نحس اکبر آرامیده و آرمیده ساکن در مقابل متحرک

این کتاب را برای پروانه دختر حسین خورازمی نوشته است.

کشف‌المحجوب تألیف ابویعقوب سگزی از متکلمان اسماعیل اوخران قرن چهارم می‌باشد و این کتاب را در حکمت و کلام اسماعیلیه نوشته است.

از کتب دیگر می‌توان به تاریخ سیستان، زین‌الاخبار تألیف گردیزی که تاریخ جهان را شامل می‌شود و تاریخ جهان از آغاز خلقت تا پایان عهد سلطان مو دودبن مسعود غزنوی را شامل می‌شود و در حدود سال ۴۴۲ یا ۴۴۳ نوشته شده است.

آثار ناصر خسرو (متوفی در ۴۸۱) نیز به نثر ساده مرسل می‌باشد. جامع‌الحکمتین خوان‌الاخوان و زادالمسافرین، وجه دین و سفرنامه با اندک تفاوت‌هایی با هم به یک شیوه نوشته شده‌اند.

سبک سفرنامه- با اینکه قبل از زادالمسافرین به سبک عهد سامانی است نوشته شده به سبک اوایل دوره غزنوی است.

در کل در نثر دوره غزنوی درصد لغات عربی افزایش یافته و ازدرصد استعمال لغات کهن از قبیل ایدون وایدر کم شده است و از تکرار فعل‌ها نیز کاسته شده است.

نثر بنیابین

نثر مرسل در مسیر تبدیل شدن به نثر فنی دوره‌ای را سپری کرد که در این دوره نثری به وجود آمد که هم بخشی از ویژگی‌های نثر مرسل را دارد و هم ویژگی‌هایی از نثر دوره بعد (فنی) در آن دیده می‌شودودر واقع سبکی بنیابین سبک مرسل و فنی به وجود می آید که به این سبک نام سبک بنیابین را داده‌اند.

از ویژگی‌های این سبک می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- اطناب:

برخلاف نثر دوره اول که به عنایت موجز است و با جمله‌های مختصر بود قدری مفصل‌تر و دارای جمله‌های طولانی‌تر می‌باشد. مترادفات لفظی بسیار کمیاب است اما الفاظ و عباراتی برای روشن ساختن مطلب استعمال می‌شود که در نثر قدیم نبوده است.

۲- توصیف:

برخلاف نثر دوره قبل (نثر مرسل ساده) که نویسنده سعی داشت مقصود خود را با کمترین کلمات بیان کند و نهایت ایجاز را به کار می‌بست در این دوره توصیف و منظره‌سازی رواج می‌یابد و نویسندگان به توصیف ویژگی‌های بیرونی یا درونی افراد (آنطور که در تاریخ بیهقی در مورد حسنک و بوسهل زوزنی) دیده می‌شود و توصیفات دیگر در مورد امور می‌پرداختند و بدین‌ترتیب سعی در تفصیل و املاله کلام و بیان حال به طریق شاعرانه داشتند.نویسندگان تمام جوانب واقع را شرح و توضیح می‌دهند طوری که خواننده را در برابر آن واقعه قرار می‌دهند و صحنه را برای او کاملا روشن و آشکار می‌سازند.

۳- استشهاد و تمثیل:

در دوره قبل استشهاد به اشعار فارسی و عربی و آوردن شعر در نثر و آوردن آیات و احادیث بسیار نادر است ولی در این دوره نویسندگان به کرات نمونه‌های فاخری از نظم فارسی و عربی را در نثر می‌آورند و نظم را با نثر می‌آمیزند و این در دوره بعد از ویژگی‌های اساسی نثر فنی می‌شود. همچنین برای ایضاح مطلب و روشن‌سازی آیات و احادیث را به عنوان شاهد و نمونه شاهد و نمونه ذکر می‌کنند و بدین‌طریق سبب آراستگی و زینت کلام خود می‌شوند. در این دوره این ویژگی در حد متعادل به کار می‌رود ونویسندگان جانب اعتدال را نگه می‌دارند و چون کتب دیگر دوره بعد (نثر فنی) چون کلیله و دمنه و مقامات حمیدی ونفثه‌المصدور به افراط از آن استفاده نکرده‌اند.

۴- تقلید از نثر تازی

از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره تأثیرپذیری نثرفارسی از نثر عربی است و نشانه‌های این تأثیرپذیری در کتبی چون تاریخ بیهقی و قابوسنامه دیده می‌شود.

این تقلید از چند جهت می‌باشد:

الف) ورود لغات لغات عربی در این دوره روبه فزونی می‌یابد و لغاتی که در دوره قبل دیده نمی‌شود وارد زبان فارسی می‌گردد و جمع‌های مکسر عربی رایج می‌شود.

ب) آوردن کلمات تنوین دار عربی

ج) شکل جمله‌بندی به طرز خاصی که مخصوص عرب است که از جمله آن می‌توان به آوردن فعل در اول جمله، آوردن فعل پیش از مفعول، آوردن مفعول قبل از فعل و فاعل.

د) ایراد موازنه و سجع که تقلیدی از نثر عربی است زیرا سجع خاص زبان عربی است و پیش از اسلام نیز در میان کهان عرب رواج داشته است و نوعی صنعت تلقی می‌شده است.

ه) آوردن مفعول مطلق که در زبان فارسی سابقه ندارد و تقلید صرف از عربی می‌باشد و در تاریخ بیهقی نمونه‌های فراوانی از این نوع تقلید می‌توان یافت.

و) حذف قسمتی از جمله برخلاف دوره قبل که تکرار رایج بود در این دوره قسمتهایی از جمله به قرینه حذف می‌شود.

۵- مطابقت صفت و موصوف

در زبان فارسی در نثر دوره قبل (مرسل) مطابقت صفت و موصوف وجهی نداشت و این قاعده متناسب با زبان فارسی نیست ولی نویسندگان این دوره به تقلید از عرب مطابقت صفت و موصوف را مدنظر قرار داده‌اند.

از جمله کتاب‌هایی که به نثر بینابین نوشته شده‌اند به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

۱- تاریخ بیهقی

نوشته ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰) شاگرد بونصر مشکان و دبیر سلطان محمود و مسعود بود و این کتاب را در مقامات سلطان محمود و مسعود نوشت که به تاریخ بیهقی مشهور است.

۲- سیاستنامه:

اثر خواجه نظام‌الملک طوسی و زیرآلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی است.

سبک این کتاب اختلاطی است بین تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی یعنی از حیث روانی و سهولت عبارت و ایجاز شبیه به نثر بلعمی است ولی از حیث لغات و اصطلاحات تازه و داشتن کنایات و استعارات و ارسال المثل و مجسم ساختن مطلب و بحث در جزئیات و روشنگری اطراف و جوانب هر موضوع به تاریخ بیهقی شبیه است و از حیث صرف و نحو و جمله بندی کمتر از بیهقی تحت تاثیر زبان عرب قرار گرفته است.

۳- قابوسنامه

نوشته عنصرالمعالی کیکاووس بن‌قابوس بن و شمگیر است و این کتاب را در سال (۴۷۵) در نصیحت فرزندش گیلانشاه نوشته است. ملک‌الشعرای بهار آن را «مجموعه تمدن اسلامی پیش از مغول» خوانده است. این کتاب عاری از هرگونه موازنه و سجع و جمله‌های مترادف است و سبک آن را می‌تواند همانند سیاستامه دانست.

مختصات نثر بنیابین:

۱- استعمال مفردات عربی بیش از دوره قبل با حفظ حدود زبان فارسی از ورود لغات دشوار و متکلف عربی.

۲- شروع به استعمال آیات و احادیث و اشعار و امثله و استعارات برای آراستن کلام در حد متعارف و خالی از تکلف

۳- رعایت تکلفات و صنایع در مقیاسی که هنوز نثر را از شیوه مرسل دور نمی‌ساخت و مناسبات لفظی را بر بیان معنی رجحان نمی‌نهاد.
۴- به کار نبردن سجع از دیگر ویژگی‌های این نوع نثر است و به کارگیری آن در دوره‌های بعد مفرد است لغوی بیشتری را از زبان عربی وارد زبان فارسی ساخت.
۵- ترکیب جمله که در این سبک هنوز شیوه دیرین خود را تا حدزیادی حفظ کرده و مفرد است عربی طوری به کار برده می‌شود که بیگانه از سیاق سخن فارسی نباشد و تا حد زیادی منطبق با اصول صرفی و نحوی زبان فارسی می‌شود. که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.
جمع بستن لغات عربی به جمع فارسی یا جمع بستن جمع عربی بار دیگر به فارسی و یا آوردن پای مصدری به جای مصادر عربی.
۶- روش ایجاز و مساوات،در این دوره تا حدودی جای خود را به اطناب می‌دهد و شیوه پیشین که بیشتر به بیان حاق کلام ولب مطلب اهمیت می‌داد دگرگون می‌شود و اطناب و آرایه‌بندی وصنعت وآرایه‌های لفظی و معنوی و استشهاد و تمثیل تا حدودی جای آن را می‌گیرد و کلام به تفصیل و اطناب می‌گراید و به تبع آنکلام مفصل‌تر و مشروح‌تر می‌گردد.
۷- تنوع و دوری از تکرار از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره می‌باشد. برخلاف دوره قبل که تکرار از مختصات بارز آن بود و تکرار فعل و روابط در جمله متوالی رایج بود در این دوره این ویژگی جای خود را به حذف با قرنیه می‌دهد. افعال و روابط تکراری در جملات حذف می‌شوند.

نثر فنی

۱- با توجه به آنچه گفته شد زمینه تغییرسبک از نثر مرسل به نثر فنی از دوره پیش (دوره نثر بنیابین) آماده شده بودو با گذار از این مرحله ویژگی‌های نثر مرسل به کلی از نثر زدوده شد و چیرگی و غلبه با مختصات نثر فنی شد که بیشتر نثر را به شعر نزدیک می‌کرد و سعی داشت از صناعات شعری نهایت استفاده را در شعر ببرد. این نوع نثر در قرن ششم ظهور کرد و آغازگر این سبک نویسندگی نصرالله منشی است که در نیمه اول قرن ششم در دربار غزنویان (بهرامشاه غزنوی) سمت دبیری ومنشی‌گری دربار را برعهده داشت.
وی این کتاب را به سال ۵۳۹ به نثر فنی معتدل نگاشت.
نثر فنی نثری است که می‌خواهد هر چه بیشتر تشبه به شعر کند و بدین لحاظ هم از نظر فکر و هم از نظر مختصات ادبی دیگر به شعر نزدیک‌تر است تا نثر و هدف در آن بیشتر از آنکه انتقال مطالب و تفهیم و تفاهم باشد توجه به شیوه بیان و آراستگی ظاهری کلام است. این نوع نثر همچون شعر مخیل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است و بیشتر از آنکه به خود مطلب پرداخته شود هنرنمایی‌های شاعرانه اهمیت دارد.

مختصات نثر فنی

۲- از مختصات نثر فنی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.
۱- کثرت لغات عربی، لغات عربی تا حدی در کلام افزایش می‌یابد که درک آن را مشکل می‌سازد و نویسندگان در کاربرد این لغات طوری راه افراط می‌پیمانید و لغات عربی را به کار می‌گیرند که درک آن برای عوام دشوار می‌گردد و آوردن چنین لغاتی را مایه فضل و دانش خود می‌دانند.لغات مهجور و دشوار عربی در این دوره در نثر فارسی وارد می‌شود.

۲- استفاده از آیات و احادیث و ضرب‌المثل و اشعار عربی که به وفور به کار می‌رود و نویسندگان سعی دارند که تا حد ممکن نثر خودرا به آوردن آیات قرآنی و احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی بیارایند و مایه آراستگی آن شوند.

۳- در آمیختگی نظم و نثر، این ویژگی که از دوره قبل شروع شده بود در این دوره با افراط می‌گراید و نویسندگان هرچه بیشتر از آن استفاده می‌کنند.

۴- تحلیل شعری، به این معنی که مفاد قصاید- مخصوصاً تشبیب آن را در نثر درج و حل می‌کردند.

۵- اطناب،

۶- سجع و موازنه و ترصیع و قرینه‌سازی

۷- آوردن صنایع بدیعی و بیانی، در این دوره استفاده از صنایع شعری چون انواع جناس، ابهام، مراعات النظیر، دیگر صنایع بدیعی به اوج خود می‌رسد همچنین از انواع صنایع بیانی چون تشبیه، استعاره؛ مجاز و کنایه در نثر استفاده می‌شودو انواع تشبیه مرکب ومفرددر این نوع نثر به کار گرفته می‌شود.

۸- وصف، در نثر این دوره وصف خبر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و خبر برای نویسنده در درجه دوم اهمیت دارد و نویسنده سعی دارد که هر چه بیشتر به توصیف صحنه‌ها و اشخاص و محیط اطراف می‌پردازند و خبر را تقریباً به اختصار بیان می‌کنند تا به وصف برسند و سپس وصف را مفصلاً شرح می‌دهند.از کتاب‌هایی که به این سبک نثر نوشته شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱) کلیله و دمنه:

نوشته نصرالله منشی، دبیر بهرامشاه غزنوی.این کتاب به نثر فنی بود و به همین سبب در دوره‌های بعد بازنویسی‌هایی از آن شده که می‌توان به «انوار سهیلی» اشاره کرد که ملاحسین کاشفی در قرن نهم آن را بازنویسی کرده است. در قرن دهم شیخ ابوالفضل دکنی بازنویسی دیگری کرد و آن را عیار دانش نام نهاد.

عتبه‌الکتبه:

اثری است از منتخب الدین بدیع جوینی است که منشی و صاحب رسایل سلطان سنجر سلجوقی بود. این کتاب مجموعه منشآت اوست.

استاد بهار درباره این کتاب می‌نویسد: «شیوه این مراسلات بر پایه و اساسی نثر ابوالمعالی غزنوی است جز اینکه اسجاع در این زیادتر است و اطناب‌هایی هم که لازم و ملزوم مکاتبات دیوانی می‌باشد در آن مراسلات و منشآت دیده می‌شود و این هر دو درکلیله و دمنه نیست.

التوسل الی التوسل

این کتاب نیز مجموعه منشآت بهاءالدین محمد بغدادی (بهاءالدین منشی) منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه بود و در سال‌های پایانی قرن ششم درگذشت لغات تازی در این اثر بیش از آثار دیگر است لغات و اصطلاحات فارسی از میان رفته و به جای آنها لغات عربی آمده است. موازنه و سجع و مترادفات همه سطور کتاب را پرکرده است و هیچ بخشی از کتاب از ترادف و تکرار و اطناب خالی نیست. در این کتاب حذف افعال بدون قرینه نیز رواج یافته است.

از کتب دیگری که به این شیوه نگارش یافته می‌توان به منشآت خاقانی و منشآت رشید وطواط اشاره کرد.

مقامه نویسی

از دیگر انواع نثر فنی مقامه است. مقامه نویسی را برای اولین بار بدیع‌الزمان همدانی در قرن پنجم در ادبیات عرب بنا نهاد و در قرن پنجم حریری به سبک او مقامات نوشت.مقامات داستان‌هایی پی در پی است که قهرمان همه آنها یکی است این قهرمان در هر داستانی به شکل تازه‌ای نمودار می‌شود و اعمال محیرالعقولی انجام می‌دهد. در پایان داستان غیب می‌شود و کسی نمی‌فهمد که سرگذشت او به کجا انجامیده است تا اینکه دوباره در داستان دیگر به هیأت نوینی آشکار می‌شود.

مقامات حمیدی

این کتاب تألیف قاضی حمیدالدین بلخی (متوفی ۵۵۹ ه) است. وی این کتاب را در سال (۵۵۵ هجری در ۲۴مقامه به تقلید از مقامات بدیع‌الزمان و حریری نگاشت. همه مقامات حمیدی با این عبارت شروع می‌شود که «حکایت کرد مرا دوستی» سپس با اطناب و سجع و ضرب‌المثل و اشعار فارسی وعربی داستان را تعریف می‌کند و سپس در پایان داستان شعری می‌آورد که مفاد آن این است که دیگر از سرنوشت قهرمان داستان خبری نیست: « معلوم من شد که سرانجام وی که بود» مقامات حمیدی قهرمان خاصی ندارد برخلاف مقامات بدیعی که قهرمان آن ابوالفتح اسکندری و قهرمان مقامات حریری ابوزید سروجی است.

مقامات مسجع و موزون است و برای حمیدالدین بلخی نیز خود داستان مطرح نیست و چگونگی بیان ومخیل سخن گفتن مطرح است.

شیوه او این است که یک جمله خبری بگوید و سپس توصیف شعری کند تا دوباره به جمله خبری برسد به طوری که می‌توان جملات روایی یا خبری او را جدا کرد و نوشت که اولاً مختصر است و ثانیا مهم نیست.

ترجمه تاریخ یمینی:

نویسنده این کتاب جرفادقانی (گلپایگانی) معاصر سلطان طغرل آخرین پادشاه سلجوقیان عراق، از منشیان معروف عصر سلجوقی است. او تاریخ عتبی (متوفی در ۴۲۷ ه) را که مشتمل بر تاریخ اواخر عهد سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی یمین‌الدوله است در سال ۶۰۳ ه . به فارسی ترجمه کرده و آن را نثر فنی نوشت و به هنرنمایی و عربی پردازی پرداخت. سبک این کتاب همان سبک کلیله و دمنه است.

راحه الصدور:

راوندی راحه الصدور و آیه السرور را در سال ۵۹۹ ه. به نثر مصنوع نوشت او بعد از حمله مغول هم زنده بود و به دربار سلاجقه در آسیای صغیر گریخت. این کتاب علاوه بر اشتمال بر تاریخ سلاجقه عراق از لحاظ ادبی بسیار با ارزش است. یکی از مختصات سبکی آن تحلیل شعری است به این معنی که مضامین و عبارات شعری را در نثر خود حل کرده است.

تزیین و آرایه‌بندی

از مهمترین جریانات و تمایلات ادبی قرن ششم تزیین و آرایه بندی کتاب‌هایی بود که به نثر ساده و مرسل نوشته شده بودند. نویسندگان این گونه کتاب‌ها را به نثر فنی و زبان فاخر ادبی بازنویسی می‌کردند.از جمله این کتاب‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

سند باد نامه

این کتاب تألیف محمدبن علی ظهیری سمرقندی است و ظهیری سمرقندی دو کتاب دیگر هم نوشته است از جمله «اغراض‌السیاسه فی‌اعراض الریاسه» که این کتاب نیز به نثر فنی است.سندبادنامه داستان بلندی است که در ضمن آن

داستان‌های کوتاه متعددی آمده است. اصل این کتاب هندی است که به پهلوی ترجمه شده بود و سپس آن را به عربی ترجمه کردند. در قرن چهارم خواجه حمید قناوزی آن را به فرمان امیر نوح بن منظور سامانی از پهلوی به نثر مرسل ترجمه کرد و سپس در قرن ششم ظهیری سمرقندی این نثر ساده را به نثر فنی بازنویسی کرد.

مرزبان نامه:

این کتاب نوشته سعدالدین وراوینی است که در خدمت اتابکان آذربایجان بوده و از ملازمان وزیر اتابک ایلدگز بوده است. اصلی این کتاب از مرزبان بن شروین از ملوک آل باوند طبرستان بود و به زبان طبری نوشته شده بوده و در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم دو نویسنده در دو حوزه فرهنگی این کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌اند که یکی از این دوسعدالدین وراوینی است و نام کتابش مرزبان نامه می‌باشد و دیگری محمدبن غازی ملطیوی که این کتاب را به نام «روضه العقول» به فارسی برگردانده است این کتاب نیز مانند کلیله و دمنه از نوع ادب تمثیلی (فابل) محسوب می‌شود.

راحه الارواح

یکی از داستان‌های ایران پیش از اسلام بختیارنامه بود که در قرن چهارم به عربی برگردانده شد.در زمان سامانیان به فارسی ترجمه شد. شمس‌الدین محمد دقایقی مروزی از ادبای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم این ترجمه را که ساده بود مطابق سلیقه رایج در عصر خود به نثر فنی بازنویسی کرد و بدان نام راحه‌الارواح گذاشت.

نثرفنی در قرن هفتم

بیشتر کتاب‌هایی که در این قرن به نثر فنی نوشته شده‌اند در حوزه تاریخ است از جمله این کتاب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

نفثه‌المصدور:

این کتاب تألیف محمد زیدری شوی منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه است. این کتاب، کتابی تاریخی ادبی است و نویسنده سعی کرده هرچه بیشتر اثر خود را به شعر نزدیکتر سازد و بیشتر به وصف پرداخته و جنبه وصف بر خبر برتری دارد. این کتاب بیشتر شرح حال جلال‌الدین خوارزمشاه است و به گریختن او از پیش لشگریان مغول به جانب آذربایجان و جنگ‌هایی که در این مناطق و گرجستان و قسمت‌هایی از آسیای صغیر کرده اشاره می‌کند و پایان کار او و کشته شدنش در میافارقین را بیان می‌دارد.

از ویژگی‌های نثر وی این است که در جمله‌بندی کتاب، پس از مراعات بدایع لفظی و معنوی که گویی وجهه همت مولف بوده است جمله‌های معترضه بسیار است که گاه کلام را دشوار و متکلف کرده است.

در سبب انشاء **و ایراد این‌گونه جمله دو عامل مهم را معتبر می‌توان شمرد یکی ولع نویسنده در تزیین و تلمیح کلام به آوردن آیات و** احادیث و امثال و اشعار عربی و فارسی و استشهاد بدان‌ها، به صورت رکن فرعی جمله وحشو و دیگر اصرار وی در مراعات سجع و موازنه و قرینه‌سازی که این خود موجب می‌آید تا قرینه‌های دوم سجع فاقد ارزش معنوی گردد و کلام به اطناب می‌گراید.

تاریخ جهانگشا:

این کتاب به نثر فنی نوشته شده است و تألیف عطاملک جوینی می‌باشد.این کتاب در شرح حکومت مغول در ایران از چنگیز به بعد است ودر ضمن آن از اوضاع اسماعیلیه نیز سخن رفته است.این کتاب نخستین کتابی است که لغات مغولی دوشادوش لغات فارسی و عربی به کار رفته است.

استاد بهار در مورد نثر این کتاب می‌نویسد: «به طور خلاصه متن جهانگشای بر سه قسم است.قسمی به کلی مصنوع و قسمی بالنسبه ساده و قسمی نقل شده از نوشته دیگران است و این قسمت اخیر ساده‌تر از متن خود کتاب است که خود مولف نوشته و به نظر می‌رسد که جلد دوم احوال خوارزمشاهیان از این مقوله باشد و نقل عبارات دیگران در آنزیاد باشد. همچنین احوال قرامطه که به قلم عطاملک شبیه نیست»

تاریخ وصاف:

نام اصلی کتاب «تجزیه‌الامصار و تزجیه الاعصار»می‌باشد که شرف‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضره آن رادر سال ۶۹۹ ه. تألیف کرده است. نثر کتاب نثر مصنوع به سبک تاریخ جهانگشای و بسیار مصنوع‌تر از آن است و در حقیقت ذیل تاریخ جهانگشاست و به تاریخ ایلخانان مغول می‌پردازد.سبک نویسندگی او بسیار مصنوع و دشوار است و در اکثر مواقع به اطناب گراییده است.در این کتاب نیز همانند جهانگشا لغات مغولی بسیاری راه یافته است.

امتزاج نثر موزون مرسل و فنی در قرن هفتم

نثر موزون یا مسجع بر دو نوع است. نثر موزون مرسل ونثر موزون فنی. نثر موزون مرسل در آثار خواجه عبدالله انصاری و فضل‌الله میبدی دیده می‌شود و نثر موزون فنی در مقامات قاضی حمیدالدین بلغی به کار گرفته شده است.در قرن هفتم این دوسبک با هم می‌آمیزد و کتابهایی نوشته می‌شود که این دو ویژگی را با هم دارندکه از این نوع کتابها می‌توان به گلستان سعدی و مرصاد العباد نجم دایه اشاره کرد.

مرصاد العباد

مرصاد العباد کتابی است عرفانی که به وسیله نجم‌الدین دایه در قرن هفتم تألیف شده است. کتب عرفانی بیشتر به نثر مرسل نگاشته می‌شدند و به سبب اینکه مخاطب صوفیه عامه مردم بودند گرایش به ساده نویسی داشتند و به تزیین و آرایه پردازی و آوردن انواع صناعات شعری در آثارشان اهمیتی نمی‌دادند و مقصود خود را مستقیماً بیان می‌کردند. ولی از قرن هفتم به بعد شیوه نثر فنی در میان صوفیه نیز رواج یافت و از جمله کتابهایی که به این نوع نثر نوشته شد مرصاد العباد می‌باشد. بهار درباره سبک این کتاب می‌نویسد «نثری است میانه سبک و شیوه خواجه عبدالله انصاری از حیث اسجاع پی در پی و میانه عبارات پخته امام غزالی... یکدست نیست. یعنی گاهی نثری است مرسل که به شیوه نثرهای ساده علمی قرن ششم و هفتم تألیف شده وگاهی نثری است دارای قرینهسازی و موازنه وسجع‌های پی‌درپی و مکرر مانند خواه عبدالله و قاضی حمیدالدین و در خلال نثرها آیات و احادیث و رباعی‌های لطیف و دیگر انواع شعر از پارسی وتازی و.. یافت می‌شود».

نثر وی نوعی نثر موزون معتدل است بین نثر خواجه عبدالله انصاری و قاضی حمید الدین بلخی و از این رو بین مرسل و فی محسوب می‌شود.

گلستان:

گلستان سعدی اوج آمیزش دو سبک نثر موزون خواجه عبدالله و قاضی حمیدالدین است. از ویژگی‌های سبکی آن می‌توان به مراعات تناسب نثر و نظم رعایت آهنگ کلمات، اختصار و ایجاز، رعایت الفاظ و ترک لغات دشخوار اشاره کرد.

همچنین وی به جنبه موسیقیایی بودن جملات توجه داشته است.

کتب قرن هفتم

در قرن هفتم کتبی مشاهده می‌شود که از هر دو شیوه نثر مرسل و فنی استفاده کرده‌اند که در قرن ششم هم کتبی از قبیل چهارمقاله به این شیوه بودند.

المعجم فی‌معاییر اشعار العجم

این کتاب تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس الرازی است که در سال ۵۳۱ ه در علم عروض و قافیه و بدیع تألیف شده است.

جوامع الحکایات ولوامع الروایات:

این دو کتاب نوشته محمد عوفی است. عوفی در زمان حمله مغول در سند بوده است و این کتاب را درآنجا شروع کـرد و در حدود سال ۶۳۰ ه در دهلی تمام کرد. این کتاب مجموعه‌ای است از حکایات مختلف که در این کتاب گردآوری شده است و بنابراین مشخص کردن سبک عوفی از روی آن ممکن نیست.

استاد بهاردر این باره می‌نویسد: «گاهی از کثرت تصنع و تکلف عبارت را از جاده فصاحت و لطف بیرون برده و به مرحلـه تعسف و تعقید افکنده است و گاه عباراتی دارد که از فرط سادگی به سبک قرن هشتم و نثر ساده دوره بعد می‌رسد.»

او شیوه عوفی را شیوه‌ای مستقل و بارزی نمی‌داند و معتقد است که وی گاه اسجاعی با رد می‌آورد و عباراتی متکلفانه به کار می‌برد وگاهی نیز نثری رایق و عباراتی لایق می‌نگارد و به رویهم نثر او نثری یکدست نیست وگویا به سبب کثرت مطالعه و مراجعه به کتب گوناگون برای تألیف کتاب «جوامع الحکایات و لوامع الروایات» به این روز افتاده است و باید شیوه خاص او را درلباب الالباب جستجو کرد. ولی می‌توان در یک نظر کلی چنین بیان کرد که مقدمه کتاب به نثر مصنوع و اکثریت مـتن به نثر ساده است.

لباب الالباب

کتاب معروف دیگر عوفی لباب‌الالباب است که آن را در سال ۶۱۷ ه تألیف کرده است این کتاب تذکر شعرای فارسـی تـا زمان مؤلف است و قدیمی‌ترین تذکر شعرای فارسی زبان به شمار می‌رود.

نثر این تاب نیز در مقدمه مصنوع و در متن ساده و مرسل است.

اثرات حمله مغول در نثر فارسی

مغولان با زبان فارسی آشنایی نداشتند و در دوره آنان نثر فارسی به سوی ساده‌نویسی پیش رفت و از آوردن آرایه‌های شعری در نثر و صناعات بدیعی دوری می‌شد و همچنین با توجه به علاقه‌ای که چنگیزخان و اعقاب او برای ماندگار شـدن نامـشان داشتند تاریخ‌نویسی در این دوره رواج یافت.

از جمله کتاب‌های تاریخی که به نثر ساده در این قرن (هشتم) نوشته شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جامع‌التواریخ

جامع‌التواریخ یا تاریخ غازانی تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. وی تألیف این کتاب را به فرمان غازان خان در سال ۷۰۲ ه شروع کرد و موضوع آن تاریخ عمومی جهان است و در آن تاریخ هند و بودا و یهود و پاپ‌هـای مـسیحی و تاریخ دوم وکشورهای فرنگی آمده است.

این کتاب به نثر ساده نگاشته شده است و اگر از منافع نثر فنی نیز استفاده شده سعی در این داشته که لغات و عبارات را ساده کند.

تجارب السلف:

تألیف هندوشاه نخجوانی است که در سال ۷۲۴ به نثری ساده آن را به رشته تحریر درآورده است و موضوع آن تاریخ وزرا و اخبار خلفاست. مآخذ اصلی کتاب او کتاب الفخری ابن‌الطقطقی به عربی می‌باشد.

آثار حمدالله مستوفی

۱- ظفرنامه که منظومه‌ای است در تاریخ ایران بعد از اسلام

۲- تاریخ گزیده درخلاصه تاریخ عالم که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله نوشت.
۳- نزهه القلوب که آن را به سال ۷۴۰ ه در جغرافیا نوشت.

کتابهای ادبی قرن هشتم

دستور الکتاب:

یکی از کتابهای ادبی که در قرن هشتم نگاشته شده کتاب «دستورالکاتب فی‌تعیین المراتب» از شمس نخجوانی معروف به شمس منشی که پسر هندوشاه مولف کتاب معروف تاریخی تجارب‌السلف است. شمس منشی در دربار شیخ اویس آل جلایر سمت دبیری یافته است.

روضه الخلد:

این کتاب را مجد خواضی در اواخر قرن هشتم به تقلید از گلستان سعدی نوشته است.

انیس العشاق:

این کتاب در علم بدیع نوشته شده است و مؤلف آن شرف‌الدین را می‌باشد. وی کتابی نیز به نام حدائق‌الحقایق در شرح حدائق السحر رشید و طواط دارد. موضوع کتاب انیس‌العشاق زیبایی شناسی معشوق شعر و به عبارتدیگر سنن ادبی درباب معشوق است.

از کتب عرفانی این دوره نیز می‌توان به او رادالاحباب و خصوص الاداب تألیف ابوالمفاخر باخرزی، فردوس المرشریه از محمود بن عثمان، مصباح الهدایه از عزالدین محمود کاشانی و مناقب العارفین از شمس‌الدین احمد افلاکی است.

آثار جامی

- جامی شاعر معروف، کتابهای متعدد منثوری هم دارد که از جمله آن می‌توان به بهارستان اشاره کرد که به تقلید از گلستان سعدی نوشته شده است.

کتاب دیگر نفحات الانس می‌باشد که در شرح حال عارفان و به نثر ساده است این کتاب ترجمه و اقتباس است از طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری است. لوایح در ذکر و شرح اصطلاحات عرفانی است که آن را به نثر موزون و مسجع و به تقلید از سوانح احمد غزالی نوشته است.

آثار واعظ کاشفی سبزواری

کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری کتابهای متعددی نوشته است که از آن جمله می‌توان به روضه الشهداء در ذکر مصیبت اهل بیت، اخلاق محسنی درباره اخلاق، فتوت‌نامه سلطانی که در آیین فتیان است و بدایع الفکار فی‌صنایع الاشعار که در شرح صنایع بدیعی است.

کتاب دیگر انوار سهیلی است که بازنویسی کلیله و دمنه است و مولف خواسته است تا آن را به نثر ساده برگرداند.

فصل دوم

قابوسنامه

فصل دوم

قابوسنامه

بدان و آگاه باشد ای پسر که نیست از بودنی و نابودنی و شاید بود که شناخت مـردم نگـشت چنانـک اوسـت، جـز آفریـدگار عزوجل که ناشناس را بروی راه نیست و جز او همه شناخته گشتست. (۶)

بودنی: موجود زنده، آنچه در قید حیات است.

نابودنی: مرده آنچه مرده و از بین رفته است ولی روزگاری موجود بوده است.

شاید بود: ممکن‌الوجود.

شناخت خداوند: خداوند قابل شناخت نیست و هیچگاه شناخته نمی‌شود و هر تصوری که از خداوند در ذهن بندگان است آفریده خود آنهاست و خداوند نیست.

کل ما میز تموه باوهامکم وادرکتموه بعقولکم فی اتم معانیکم فهو مصروف مردود دالیکم محدث مصنوع مثلکم.

هر چه ادارک انسان به آن منتهی گردد غایت ادراک او بود نه غایت خداوند.

نظامی گوید:

تـــو کـــه جـــوهرنی نـــداری جـــای چـــون رســـد در تـــو وهـــم شـــیفته رای

عقل عاجز از شناخت خداوند است و ما را به هستی او رهنماست و با عقل می‌توان تا این حد پیش رفت که خدایی هست و نمی‌توان ذات خداوند را شناخت.

عقـــل مـــا رهنمـــای هـــستی اوســـت هـــست‌هـــا زیـــر پـــای هـــستی اوســـت

- از بهروزی رنج بسیار برخود منه که به کوشش روزی افزون نگردد چنانک گفت:

عش بجدک لا بکدک. (۱۷)

به کوشش روزی افزون نگردد: روزی هر کسی مقدر است از پیش و تعیین شده است و نباید در طلـب کـردن روزی بیش از حد خود را به زحمت انداخت و هیچ کسی با تلاش و کوشش افزونتر و بیشتر نمی‌تواند روزی بیشتری از آنچه را که برای او مقدر شده به دست آورد.

عش بجدک .....: با بخت و اقبال خود زندگی کن نه با سعی و تلاش و کوشش.

- اگر خرد داری با خرد هنرآموز که خرد بی‌هنر چـون تنـی بـود بـی‌جامـه و شـخص بـی‌صـورت کـه گفتـه‌انـد: الادب صوره‌العقل. (۱۷)

هنر: فضایل شخصی، علم و دانش، با اینکه خرد غریزی داری و خداوند عقل به تو عطا کرده ولی معطل ننـشین و بـه دنبال علم و دانش و ادب و فرزانگی باش.

الادب صوره العقل: رعایت ادب نشان عقل و خردمندی است.

- مردم به سبب و اصل اگر بی‌هنر بود از روی اصل و نسب از حرمت داشتن مردم بی‌بهره نباشد و بهتر آن بود که نـه گـوهر دارد و نه هنر. اما جهد کن که اگرچه اصیل و گوهری باشی گوهر تن نیز داری که گوهر تن از گوهر اصل بهتر. (۱۸)

اصل: نژاد، اصل و نسب، اجداد و نیاکان و پدران

هنر: هنر به معنی علم و معرفت و دانش و فضیلت و کمال است – فراست، زیرکی

به هنر: بدون فضیلت، بدون عقل و دانش و کمال شخصی

اصل و نسب: نژاد، گوهر، آبا و اجداد

گوهر: اصل و نژاد و نسب

- بر سر ملا هیچ کس را پند مده که گفته‌اند: النصح بن الملا تقریع. (۱۹)

ملا: مردم، جمع کثیری از مردم

النصح بین الملا تقریع: نصیحت کردن در حضور مردم به سرزنش می‌ماند.

هیچگاه در حضور مردم به کسی پند و اندرز مده زیرا که نصیحت کردند افراد در حضور دیگران به سرزنش کردن می‌ماند و نتیجه عکس می‌دهد و تاثیری نمی‌بخشد.

- اگر کسی به کژی برآمده باشد گرد راست کردن او مگرد که نتوانی که هر درختی که کژ برآمده بود و شاخ زده بود. (۱۹)

تربیت زمانی تاثیر دارد که شخص قابلیت و استعداد آن را داشته باشد و در حدی باشد که تربیت تاثیرگذار باشـد وگرنـه اگر فرد از این مرحله گذشته باشد دیگر تربیت او چندان نتیجه‌ای نمی‌دهد و نمی‌توان او را اصلاح کرد همانند درختـی کـه کج رشد کرده باشد اصلاح نمی‌پذیرد و قابلیت آن را ندارد.

تربیت ابلهان بی‌ثمر است.

- بزرگان و خردمندان را به سخن دانند، نه سخن را با مـردم، کـه مـردم نهـان اسـت، در زیـر سـخن خـویش، چنانـک امیرالمومنین رضی الله عنه می‌گوید: المرء مخبوء تحت لسانه. (۳۱)

المرء مخبوء تحت لسانه: شخص در زیر زبان خود نهان است.

سخن هر کس و گفته‌هایش دلیل بر فضل و دانش و یا جهالت و ناراحتی اوست و تا زمانی که کسی سـخن نگفتـه باشـد نمی‌توان او را شناخت و شناسایی او با حرفهایش ممکن می‌شود. انسانهای عاقل و دانا با سخنانشان شناخته می‌شوند.

المرء مخبوء تحت لسانه لا فی طیلسانه.

تـــا مـــرد ســـخن نگفتـــه باشـــد عیـــب و هنـــرش نهفتـــه باشـــد.

(سعدی)

- در وقت جوانی پیری نرسد، چنانک جوانان را نیز پیری نرسد که جوانی کردن در پیری بوق زدن بود در هزیمت. (۴۱)

بوق زدن در هزیمت: کاری خلاف رسم و سنت، به این دلیل که هر وقت سپاهی در جنگی پیروز می‌شده اسـت بـوق می‌زدند تا پیروزی خود را به گوش دیگران برسانند و بوق زدن شکست خـورده کـاری غیرعـادی و بیـرون از رسـم و سنت بوده است.

- هر کاری زمان خاص خود را دارد و هر موقعیتی کاری را ایجاب می‌کند جوان هرگز نمی‌تواند چون پیران رفتار کند و پیران نیز هرگز نمی‌توانند رفتاری چون رفتار جوانان داشته باشند و پرداختن بـه کارهـایی چـون جوانـان در پیـری سبکسری و احمقی است.

- اما آغاز سیکی خوردن نماز دیگر کن تا چون مستی درآید شب اندر تو آمده باشد و مردمان مستی تو نبینند و در مستی نقلان مکن که نقلان نامحمود بود و به دشت و باغ به سیکی خوردن مرو و اگر روی مستی را سیکی مخور. (۴۸)

سیکی: شرابی که **چندان** جوش دهند و مافش کنند که از سه حصه آن یک حصه باقیمانده باشد، شراب جوشانیده که به عربی مثلث گویند.

شب شد به مستان اندکی تریاک بیداری بده رندان سیکی خواره را گر ساغری داری بده

(اوحدی)

نماز دیگر: نماز عصر، وقت نماز عصر

نقلان: از جایی به جایی رفتن، حرکت کردن، تغییر مکان دادن

- **پسر مقله در تیره شد. (۵۱)**

طیره شدن: اندوهگین شدن، خشمناک شدن، عصبانی شدن

بر ضعیفان و زیردستانت خشم بیحد مران و طیره مگیر

(سعدی)

گشت قاضی طیره صوفی گفت هی حکم تو عدل است لاشک نیست غی

(مولوی)

- مهمان فضول مباش و ساز کاسه و خوانچه مردمان نکن و چاکران خویش را نواله مده که گفته‌اند الزَّلّهُ ذلهٌ. (۵۳)

فضول: کسی که در کار دیگران بی‌جهت مداخله کند، کسی که در اموری دخالت کند که حد یا حق او نیست،

نواله: توشه

الزله ذله: زله (آنچه از سفره مهمانی بردارند) سبب ذلتی و خواری است / کراهیت زله برداشتن

من از زمانه کفافی نخواهم از آن که زله بند نباشند مرم قلاش

(ابی یمین)

زله خاص آفت عامیست زله بس زغایت خامیست

(اوحدی)

- مرا بدیشان سپرد تا مرا شنا آموختند به کراهیت نه به طبع (۹۶).

به کراهیت: به زور، به اجبار، بدون اینکه میل و علاقه‌ای داشته باشم.

طبع: رغبت، میل

در آب و آتش جان و روان دهنده به طبع بلی کنند همه افتخار از آتش و آب

(مسعود سعد)

- مردم تا زنده باشند ناگزیر باشند از دوستان که مرد بی برادر به که بی دوستان از آن که حکیمی را گفتند که: دوست بهتر یا برادر. گفت برادر نیز دوست به. (۱۰۰)

ناگزیر: ناچار، لاعلاج، بالضرور، به طور اجبار

چیزی که نمی‌توان آن را معاف داشت، آنچه وجود آن لازم است.

فتنـــه فـــرو کـــشتن از او دلپـــذیر فتنـــه شـــدن نیـــز بـــر او نـــاگزیر

(نظامی)

برادر نیز دوست به: برادر انسان نیز بهتر است دوست و نیکخواه او باشد رفتاری دوستانه و مهربانانه با هم داشته باشند.

- دوست بی‌هنر مدار، که از دوست بی‌هنر فلاح نیاید و دوستان قدح را از جمله دوستان مشمار، که ایشان دوست قـدح باشند نه دوست. (۱۰۱)

فلاح: رستگاری، باقیماندگی در خیر و نیکویی، فوز و نجات

باد صبا بر آب کر، نقـش قـد افلـح آورد تا تو فلاح و فتح را بر شط مفلحان بری

(خاقانی)

دوستان قدح: هم پیاله‌ها، کسانی که در شرابخواری مصاحب و همنشین یکدیگرند.

- پس چون حال مجس قبول کردی در قاروره نگاه کن. (۱۳۱)

مجس: نبض، نبض بیماری، برای تشخیص بیماری و کیفیت و چگونگی آن گرفتن نـبض بیمـار ضـروری اسـت و بـه واسطه آن می‌توان حد و بیماری را شناخت.

قاروره: پیشاب بیمار که پزشک را برند تا تمیز بیماری کند، در قدیم ادرار بیمار را برای معاینه در شیشه می‌گرفتنـد. از اینجاست که قاروره گرفتن به معنی ادرار گرفتن استعمال دارد.

- ای پسر، اگر شاعر باشی جهد کن تا سخن تو سهل ممتنع باشد و بپرهیز از سخن غامض. (۱۳۷)

سهل ممتنع: ساده و در عین حال غیر قابل دسترس، آن است که ربط کلام و سیاق آن آسان نماید اما مانند آن هـر کس نتواند گفت به سبب سلاست و جزالت و گنجانیدن معانی بسیار در الفاظ اندک.

سخن غامض: سخن پوشیده و گفتار مشکل، کلام دور از فهم، پیچیده، سخن باتعقید، مغلق

- به وزن و قافیت قناعت مکن و بی‌صناعتی و ترتیبی شعر مگوی، که شعر راست ناخوش بود، صنعت و چربک بایـد کـه بود. (۱۳۷)

بی‌صناعتی و ترتیبی: بدون وجود صناعات بدیعی و بیانی چون تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، ایهـام، تـضاد و طبـاق و مراعات‌النظیر و صنایع بیانی و بدیعی دیگر که سبب آراستگی و زیبایی شعر می‌شود.

شعر راست: شعری که در آن صنایع بدیعی و بیانی نباشد و شعر مستقیم و روایی باشد.

شعری که چندان از صنایع بدیعی و بیانی بهره نگرفته باشد و به زبان گفتاری و تخاطب نزدیکتـر باشـد. ایـن نـوع شـعر سبب لذت چندانی برای خواننده نیست و ذهن او را به فعالیت وانمی‌دارد تا با کشف صنایع به کار برده شده در آن احـساس لذت کند.

صنعت و چربک: صنایع بدیعی و بیانی که سبب دشواریابی شعر می‌شود و همین تلاش ذهنی خواننـده بـرای یـافتن معانی که در پوشش صنایع بدیعی و بیانی آمده است سبب فعالیت ذهنی خواننده و احساس لذت برای او می‌شود.

- شعر این نیست که سخن فقط موزون و مقفی باشد بلکه باید شگردهای شاعرانه و صنایع ادبی را در آن به کار بست و شعری که دارای این ویژگی نباشد و مستقیم و روایی باشد جذاب نیست.

- اما اگر خواهی که سخن تو عالی باشد و بماند، بیشتر سخن مستعار گـوی و اسـتعارت بـر ممکنـات گـوی و در مـدح استعارت به کار دار. (۱۳۸)

مستعار: سخن مستعار، با استعاره

استعاره: نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به مناسبت کمال شباهت در یکی از صفات به جای لفظ دیگر به کار برند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراک و مشابهتی که میان این دو در صفت شجاعت هست و بعضی گفته‌اند استعاره عبارت است از مبالغه در تشبیه، در اینجا به معنی پوشیده

استعاره بر ممکنات: استعاره بر آنچه ممکن است، یعنی استعاراتی به کار دار که جنبه معقول داشته باشد و مخاطب آن را بپذیرد و اغراق و مبالغه به کار نبر، سعی کن آنچه به تصویر می‌کشی از امور ممکن و معقول باشد تا جنبه حقیقت نمائی اثر تقویت شود.

آشکار به مدح و ستایش نپرداز و در پیچ و خم سخن به مدح و ستایش دیگران بپرداز.

- تا رنج کهتری بر خود ننهی به آسایش مهتری نرسی نبینی که تا برگ نیل پوسیده نگردد نیل نشود. (۱۴۷)

کهتری: کوچکی، ذلت و خواری

مهتری: بزرگی، سروری

نیل: گیاهی است که عصاره آن را نیل و نیلج گویند و بدان رنگ کنند، درختچه نیل از تیره پروانه واران است و دارای برگهای مرکب شانه‌ای و پوشیده از کرک، گلهایش قرمز یا صورتی رنگند که دارای آرایش خوشه یا سنبله می‌باشد.

- بدان ای پسر که اگر پیر باشی باید که به سخن گفتن قادر باشی و خط نیکو داری و تجاوز کردن در خط عادت نکنی. (۱۵۲)

دبیر: منشی، کاتب، نویسنده نامه‌های دربار شاهی، کسی که در دیوان رسالت و نامه‌نگاری است و مسئول نوشتن نامه‌های دیوانی است.

تجاوز کردن در خط: خط دیگری را تقلید کردن، جعل کردن خط دیگران، مزوری در خط

- اگر نامه پارسی بود پارسی که مردمان در نیابند منویس، که ناخوش بود، خاصه پارسی که معروف نباشد، آن خود نباید نوشتن به هیچ حال. (۱۵۲)

پارسی که مردمان در نیابند: پارسی سره، به کار بردن کلمات فارسی که دیگر رایج نیست و مردم به جهت عدم استعمال آنها و غرابت استعمالشان قادر به درک معنی و مفهوم آن نیستند.

- فارسی را با کلماتی که در همان دوره خاص بین مردم متداول است بنویسی و سعی کن که لغات فراموش شده را که دیگر کاربردی ندارند به کار نبری و بدان سبب درک کلام خود را مشکل نسازی.

- دیگر شرط کاتبی آن است که مادام مجاور حضرت باشی و یادگیرنده و تیز فهم و نافراموش کار و متفحص باشی بر هم کاری و تذکره همی دار از آنچ ترا فرمایند. (۱۵۶)

کاتبی: نویسندگی، دبیری، منشی‌گری

مجاور حضرت بودن: در پیشگاه پادشاه بودن، حاضر بودن در دربار

و پیر ملزم است که همیشه در دسترس باشد و این از وظایف او می‌باشد زیرا که ممکن است نیاز فوری در دربار به او باشد.

یادگیرنده: به ذهن سپارنده، دارای حافظه قوی، همه چیز را زود حفظ کردن و به خاطر سپردن.

متفحص: باز کاونده و جستجو کننده، آزماینده و پرسنده،

متفحص شدن: جویا شدن

تذکره: یادداشت، آنچه بدان حاجت به یاد آید و یاد کرده شود حاجت.

- بهترین هنری مرکاتبان را زبان نگاه داشتن است و سر ولی نعمت نگاه داشتن است و خداوند خویش را از همه شغلها آگاه کردن. (۱۵۷)

زبان نگاه داشتن: مواظب سخنان خود بودن، نااندیشیده سخن نگفتن، اسرار را نگهداشتن

سر ولی نعمت نگاه داشتن: راز نگاه داشتن، رازدار بودن، اسرار مالک خود را نگه داشتن

- کاتبی محتشم و فاضل بود در دیوان صاحب، تزویر کردی. (۱۵۷)

محتشم: دارای حشمت، با احتشام، با حشمت

زبردست و توانا و بزرگ و دارای خدم و حشم بسیار

فاضل: کسی را گویند که در دانش و علم بر دیگران فزونی یابد، صاحب فضل، مرد داننده

تا تو در علم با عمل نرسی عالمی، فاضلی ولی نه کسی

(سنائی)

دیوان صاحب: دیوان رسالت صاحب بن عباد، صاحب بن عباد از دبیران مشهور دستگاه آل بویه بوده است.

تزویرکردی: خط دیگران را جعل می‌کرد، خط کسی را تقلید کردن.

- پس بدانک این مزوری کردن کاری بزرگ است. از این بپرهیز و در هر پیشه و در هر شغل داد از خویش بده. (۱۵۸)

مزوری: تزویر خط، تقلید خط دیگری، آرایش کننده دروغ

در شغلی داد دادن: در آنکار نهایت مهارت خود را به کار بستن، آن کار را به بهترین نحوی انجام دادن

- بدان ای پسر اگر چنان بود که به وزارت افتی محاسب و معامل و ملت شناس باش و معامله نیکوشناس و با خداوندان خویش راستی کن. (۱۵۹)

به وزارت افتی: وزیر شوی، به مقام وزارت برسی

محاسب: حسابگری تدبیرگر

معامل: عمل کننده

ملت شناسی: شناخت مردم، شناسی مردم

معامله نیکوشناس: نحوه رفتار با مردم

- انصاف ولی نعمت خویش بده و هم خویشتن را مخواه. که گفته‌اند:

من اراد الکل فاته کل. (۱۵۹)

من اراد الکَل .....: کسی که همه را خواهد همه را گم خواهد کرد، هم کاره هیچکاره است.

با خداوند خود باانصاف و عادلانه رفتار کن و همه چیز را برای خودت خواه و حق او را ادا کن که در مثل آمده است که کسی که همه را خواهد همه را گم خواهد کرد پس میانه‌رو باشد.

- مفلس در حصار رویین است. (۱۸۴)

مفلس: محتاج، درویش، کسی که فلس و پشیزی نداشته باشد، بی‌چیز و بی‌نوا

حصار رویین: دژ محکم و استوار، قلعه تصرف نشدنی

بی‌چیز و بی‌نوا همچون دژی استوار و محکم است به این دلیل که بی‌چیزی او سبب شده تا هیچ کس مزاحمتی برای او ایجاد نکند و از دزد و حرامی در امان باشد و خیالش آسوده باشد.